

رقابت و تعاون در نگرش اسلامی*

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۵

تاریخ تأیید: ۸۷/۷/۲۱

سیدحسین میرمعزی**

چکیده

در این مقاله ابتدا رقابت، از دیدگاه نظام سرمایه‌داری بررسی شده و کارکردهای آن تحلیل می‌شود و اثبات می‌شود که این مفهوم از رقابت با آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. سپس با استفاده از آیه‌ها و روایت‌ها نشان داده می‌شود که رقابت و تعاون در خیرات مورد تشویق است و اسلام برای دستیابی به اهداف، نهادینه کردن این دو اصل رفتاری را در جامعه در همه نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی لازم می‌داند.

در نظام اقتصادی اسلام رقابت و تعاون در رفتارهای اقتصادی مردم در دو بخش سوم خیرخواهانه و بخش خصوصی قابل تحقق است. در بخش خیرخواهانه (بخش سوم)، رقابت و تعاون در رفتارهای اقتصادی که به انگیزه خیرخواهانه و در قالب نهادهایی چون وقف، قرض‌الحسنه و صدقه ظاهر می‌شود.

در بخش خصوصی رقابت و تعاون در رفتارهایی که به انگیزه نفع شخصی انجام می‌شود، در مصرف و کسب درآمد قابل تصور است. رقابت در مصرف به چشم و همچشمی در مصرف و اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی می‌انجامد که از آنها نهی شده است. اما در کسب درآمد در صورتی

*. این مقاله حاصل تحقیقی است که به وسیله نویسنده برای کمیته اقتصاد و مدیریت کمیسیون مطالعات دینی مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است.

Email: mir_qom@yahoo.com

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

که مصداق رقابت و تعاون در خیرات باشد، تشویق شده است و این زمانی اتفاق می‌افتد که در چارچوب احکام و قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام باشد.

مهمترین قاعده‌های اخلاقی؛ انصاف، رفق و مدارا و احسان با مردم و مهمترین قاعده‌های حقوقی؛ عدالت، رضایت طرفین قرارداد، علم به ویژگی‌های معامله، وجوب وفا به عهد و عقد و شرط‌های ضمن عقد، صداقت در قراردادها، قاعده نفی ضرر و ضمان اتلاف، حرمت ربا و احتکار و کم‌فروشی و قاعده رعایت مصالح نظام است.

واژگان کلیدی: رقابت، تعاون، بخش سوم، بخش خصوصی، قاعده‌های اخلاقی، قاعده‌های حقوقی، انصاف، احسان و عدالت.

طبقه‌بندی JEL: D41, F12.

مقدمه

رقابت در اقتصاد سرمایه‌داری به مفهوم کوشش برای پیروزی بر رقیب در دستیابی به امتیازهای اقتصادی همچون شغل خوب، دستمزد بالا، ترفیع‌ها، کالاها و خدمات دل‌پذیر و امنیت در سن پیری است. در رقابت یک عنصر داروینسم اجتماعی وجود دارد: «زندگی مسابقه کوشش است و در آن فقط شایسته‌ترین فرد، از جهت نیرو، به قلّه می‌رسد» (Schmitzer, 1994: 26).

اشنایترز، در مقام ستایش از رقابت، می‌گوید:

«یقیناً رقابت یکی از کلمه‌های خوب در لغات امریکایی است. از خیلی سال‌ها پیش به بچه‌های مدرسه‌ایی گفته می‌شد که مشخصه متمایزکننده موفقیت تاریخی نظام اقتصادی امریکا رقابت است» (همان).

این ستایش، براساس اصول لیبرالیزم بجاست؛ زیرا در حقیقت به منزله ستایش آزادی فردی، مالکیت خصوصی و فعالیت به انگیزه نفع شخصی است. این اصول و نتیجه آنها یعنی رقابت، با فرهنگ مردم امریکا درآمیخته است.

رقابت بدین مفهوم، نتیجه منطقی اصول پذیرفته‌شده‌ای مانند آزادی فردی، مالکیت خصوصی و پی‌گیری منافع شخصی در نظام سرمایه‌داری است. هر فرد آزاد است به انگیزه نفع شخصی به فعالیت اقتصادی پرداخته، از این راه منابع ثروت را مالک شود و امتیازهای اقتصادی را به خود اختصاص دهد.

گرچه در مفهوم رقابت بین اقتصاددانان اختلافی نیست اما در کارکردهای آن اختلاف نظر فراوانی است. به نظر آدام اسمیت، رقابت فرایندی است که زمانی که برابری عرضه و تقاضا به هم می‌خورد، شروع می‌شود (رنانی، ۱۳۷۶: ۸۳). نئوکلاسیک‌ها، از شروع سده نوزدهم، مفهوم رقابت کامل را به صورت ساختار بازار در وضعیت تعادلی، مورد توجه قرار دادند (همان: ۸۶-۸۷). شومپتر دریافتی دینامیک از رقابت ارائه داد و آن را با توجه به تعادل بلندمدت تعریف کرد. همان فرایندی که نام آن را «تخریب خلاق» گذاشت؛ نخست ابداعی صورت می‌گیرد (خلاقیت) و انحصار گذرا را شکل می‌دهد و سودهای انحصاری را به ارمغان می‌آورد. آن‌گاه این ابداع پخش می‌شود و در معرض ابداع‌های جدید و بیشتر قرار می‌گیرد که سودهای انحصاری آن را از بین می‌برد (تخریب) و این جریان همچنان ادامه می‌یابد (رقابت دینامیک) (همان: ۹۱). هایک از منتقدان اصلی نظریه رقابت کامل نئوکلاسیک‌ها، بر این باور است:

«اگر وضعیت مفروض نظری رقابت کامل واقعاً موجود شود، نه تنها تمام فعالیت‌هایی که فعل رقابت کردن بر آنها دلالت دارد بی‌معنا می‌شود؛ بلکه احراز این وضعیت، چنین فعالیت‌هایی را به‌طور عملی غیرممکن می‌سازد» (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۲۱۹).

به نظر وی در دنیای واقعی - که شناخت ناکافی از هزینه‌های تولید و کالاها و خدمات وجود دارد، کالاها به‌طور کامل همانند (همگن) نیستند و بین خریداران و فروشندگان متفاوت، روابط شخصی که در ترجیح‌های آنها مؤثر است، وجود دارد - رقابت، به مفهوم «کوشش برای به‌دست آوردن آنچه دیگران برای به‌دست آوردن آن در همان زمان می‌کوشند» (همان: ۲۲۰)، کارکردهای سه‌گانه ذیل را دارد:

ا. پدیدآوردن نظام اطلاع‌رسانی و وحدت و انسجام میان فعالیت‌های پراکنده اقتصادی؛

ب. کشف «بهترین‌ها» در عرصه فعالیت‌های اقتصادی؛

ج. ترویج رفتار عقلایی است (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۱۹).

رقابت، همان‌گونه که براساس دیدگاه‌های لیبرالی کارکردهای مفید دارد، از اثرهای سوء اجتماعی نیز خالی نیست. به‌طور مثال؛ در فرایند رقابت، گروهی اندک از پیروزی و مزیت‌های آن بهره‌مند می‌شوند و بسیاری شکست می‌خورند و از مزیت‌های اقتصادی محروم می‌شوند. این حقیقت تلخ به شکاف طبقاتی و تمرکز ثروت در دست گروهی اندک

می‌انجامد. ثروت با قدرت و قدرت با آزادی همراه است و برعکس، فقر، اسارت به ارمغان می‌آورد. چنان‌که قدرت اقتصادی دولت سبب سلب آزادی مردم می‌شود، برخورداری گروهی اندک از ثروت‌های کلان نیز باعث می‌شود آزادی مردم دیگر و حتی دولت از میان برود و همه چیز و همه کس به استخدام آنها درآید.

البته این اشکال‌ها هرگز باعث نشده است نظام سرمایه‌داری از رقابت و کارکردهای آن چشم پوشد و چنین انتظاری نیز نباید داشت؛ زیرا فرایند و سازوکار دیگری که هم زمان از کارکردهای رقابت و سازگاری با اصول، مبانی و هدف‌های نظام سرمایه‌داری برخوردار باشد، وجود ندارد، بنابراین، راه‌حل عقلایی آن است که رقابت، در جایگاه یکی از اصول، حفظ شود و کاستی‌های آن با تدبیرهای دیگر برطرف یا جبران شود؛ یعنی همان کاری که اکنون طرفداران جدید سرمایه‌داری انجام می‌دهند. با این همه، باید توجه داشت که مبانی فلسفی، مکتبی و هدف‌های نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری متفاوت است. باید ملاحظه کرد آیا رقابت داروینیستی، با دیدگاه‌های اسلامی درباره انسان و هدف‌های اقتصاد اسلامی سازگار است؟ اگر چنین نیست، اسلام چه اصل یا اصول رفتاری را پیشنهاد می‌کند و کارکرد این اصل رفتاری در نظام اقتصادی چیست؟

رقابت آزاد به مفهوم «کوشش برای پیروزی بر رقیب برای رسیدن به امتیازهای اقتصادی محدود» و «جدال برای بقا در بازار» بدون هیچ‌گونه احساس مسؤولیت درباره رقیب، با اصول و آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. از دیدگاه اسلام امت اسلامی واحد است؛^۱ مؤمنان برادر یکدیگرند^۲ و در نیکی کردن، مهربانی و دلسوزی به یکدیگر همچون پیکری واحدند؛ پیکری که اگر عضوی از آن دردمند شود؛ باقی اعضا در بیداری و تب خواهند سوخت.^۳ از این دیدگاه، کسی که درهمی از مال خویش را از مؤمن پنهان کند یا کالایی از امور دنیا را از دسترس وی دور دارد، مورد خشم خداوند قرار می‌گیرد.^۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیا (۲۱)، ۹۲).

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات (۴۹)، ۱۰).

۳. امام باقر علیه السلام: «المؤمنون من تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم كمثل الجسد، إذا اشتكى تداعى له سائره بالسَّهَر و الحمى» (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۰: ۱، ۲۳۱).

۴. امام صادق علیه السلام: «يا ابا هارون! ان الله تبارك و تعالى الى على نفسه ان لا يجاوره خائن، قال قلت و ما الخائن؟ قال: من اذخر عن مؤمن درهماً، او حبس عنه شيئاً من امر الدنيا» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۷۵، ۱۷۳).

«مسلمان برادر مسلمان است، به وی ظلم روا نمی‌دارد و وی را تنها نمی‌گذارد و از وی چیزی دریغ نمی‌کند. شایسته است مسلمانان در این موضوع سخت بکوشند و پیوندهای برادری و کمک‌رسانی را استوار دارند و به امدادجویان و نیازمندان از اموال خویش بدهند (اگر چنین کردند) چنانند که خدای دستور داده است که با یکدیگر مهربان باشید و به هم مهربانی کنید» (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

این روایت‌ها و روایت‌های فراوان دیگر - که درباره وحدت و برادری مسلمانان (محمدی ری‌شهری، ۱۱۴۱۶: ۱، ۵۰ - ۳۸)، وظایف هر مسلمان در برابر مسلمان دیگر (همان: ۶۶۴-۶۶۲) و حقوق همسایگان (همان: ۴۸۵ - ۴۸۸) وارد شده - نشان می‌دهد که رقابت آزاد به مفهوم غربی نمی‌تواند در نظام اقتصادی اسلام، به صورت مبنا، مورد پذیرش قرار گیرد. اسلام رقابت و تعاون در خیرات را تشویق می‌کند. در مقاله با استناد به آیه‌ها و روایت‌ها، رقابت و تعاون در خیرات به صورت دو اصل رفتاری مهم در نظام اقتصادی اسلام معرفی شده و کارکردهای آن در بخش خصوصی و بخش سوم نظام اقتصادی اسلام بررسی می‌شود.

رقابت و تعاون در خیرات

در آیه‌ها به رعایت دو اصل رفتاری در همه عرصه‌ها امر شده است:*

أ. رقابت در خیرات؛

ب. تعاون در برّ و تقوا.

۱. رقابت در خیرات

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
(بقره (۲)، ۱۴۸).

«در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند زیرا وی، بر هر کاری تواناست.»

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده (۵)، ۴۸).

*. شایان ذکر است که درباره این دو اصل رفتاری روایت‌های فراوانی وجود دارد که پرداختن به آنها در این مجال ما را از مقصودمان در مقاله بازمی‌دارد.

«پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جویید! بازگشت همه شما، به سوی خداست سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید به شما خبر خواهد داد».

در برخی از آیه‌ها سبقت‌جستن در خیرات از صفت‌های مومنان شمرده شده است:

«وَأُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مومنون (۲۳)، ۶۱-۵۳).

«چنین کسانی (مومنین) در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند)».*

۲. تعاون بر نیکی و تقوا

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»
(مائده (۵)، ۲).

«و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری نکنید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!».

ابتدا به نظر می‌رسد این دو اصل رفتاری با هم منافات دارند؛ زیرا رقابت و مسابقه‌دادن در خیرات با تعاون در برّ و تقوا که همان امور و کارهای خیر است با هم سازگار نیست. مسابقه، مستلزم جلو زدن از دیگران برای انجام امر خیر و تعاون، مستلزم همراهی و همکاری با دیگران در تحقق امر خیر است.

با کمی تأمل روشن می‌شود که تنافی وجود ندارد و این دو تعبیر به علت آن است که دو روش برای انجام امور خیر وجود دارد. یکی رقابت و دیگری تعاون. به‌طور مثال؛ اگر مسجدی نیاز به فرش دارد این کار به دو روش انجام می‌شود: یکی اینکه فردی پیشقدم شده و آن را خریداری و اهدا کند. دیگر اینکه مومنان دست به دست هم داده و هر یک با پرداخت بخشی از پول لازم برای خریداری فرش مسجد در این امر خیر شرکت کنند.

البته ممکن است تحقق برخی امور خیر جز از راه تعاون ممکن نباشد. به‌طور مثال، تحقق امنیت جان، مال و آبروی مسلمان‌ها از امرهای خیری است که جز از راه مشارکت و همکاری مردم امکان تحقق ندارد. با این وجود در این امور نیز سبقت‌گرفتن در تعاون از مصداق‌ها استباق در خیرات است. همان‌طور که ممکن است برخی امور خیر قابلیت تعاون

*. ر.ک: (انبیاء (۲۱)، ۹۰؛ آل عمران (۳)، ۱۱۳ و ۱۱۴).

را نداشته یا دایره تعاون برای تحقق آن محدود باشد. به گونه‌ای که اگر فرد یا افرادی به انجام آن قیام کنند، فرصت از دیگران سلب می‌شود.

به هر حال رقابت و تعاون در خیرات دو اصل رفتاری‌اند که خداوند در قرآن به آنها سفارش کرده است. البته این سفارش‌ها اعم از وجوب و استحباب است؛ زیرا استباق و تعاون در بسیاری از خیرات واجب نیست. با این وجود می‌توان گفت اسلام نهادینه‌شدن این دو اصل رفتاری در جامعه اسلامی را برای دستیابی به هدف‌هایی که برای نظام اسلامی ترسیم کرده است، لازم می‌داند.

مفهوم خیرات

امور به دو دسته خیر و شر تقسیم می‌شوند، امور خیر، اموری هستند که در جهت حرکت انسان و جامعه انسانی به سوی سعادت لازمند و امور شر، اموری هستند که مانع چنین حرکتی هستند. به عبارت دیگر، خیرات همان مصالح فرد و جامعه هستند. مصلحت فرد چیزی است که برای دستیابی فرد به سعادت لازم دارد و سعادت فرد در بیشینه‌کردن مجموع لذت‌های دنیایی و آخرتی است. همچنین مصلحت جامعه آن چیزی است که برای حرکت جامعه به سوی سعادت لازم دارد و جامعه سعادت‌مند جامعه‌ای است که در آن شرایط لازم برای حرکت همه افراد به سوی سعادت فراهم آمده باشد.

بر این اساس، رقابت و تعاون در خیرات در حقیقت رقابت و تعاون در انجام مصالح فردی و اجتماعی برای رسیدن به سعادتند و اسلام نهادینه‌کردن این دو اصل رفتاری را در جامعه در همه نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای دستیابی به اهداف لازم می‌داند. اکنون این موضوع را بررسی می‌کنیم که این دو اصل رفتاری در نظام اقتصادی اسلام چگونه ظاهر شده و چه کارکردی دارند.

رقابت و تعاون در نظام اقتصادی اسلام

امروزه، نظام اقتصادی را به سه بخش تقسیم می‌کنند: بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش سوم. بخش دولتی مربوط به رفتارهای اقتصادی دولت است که به انگیزه حفظ نظام اقتصادی و حرکت‌دادن آن به سمت هدف‌های نظام انجام می‌شود. بخش خصوصی در اصطلاح به بخشی اطلاق می‌شود که مربوط به رفتارهای اقتصادی مردم است؛ و انگیزه نفع

شخصی انجام می‌شوند. بخش سوم اقتصاد مربوط به آن دسته از رفتارهای اقتصادی مردم است که به انگیزه نفع شخصی نیست، بلکه به انگیزه انسان‌دوستانه یا ثواب اخروی و مانند آن انجام می‌شود. از بخش سوم اقتصاد تحت عنوان «اقتصاد بدون سود» یا «اقتصاد اجتماعی» نیز نام برده شده است. رقابت و تعاون در رفتارهای اقتصادی مردم در دو بخش خصوصی و بخش سوم قابل بررسی است.

۱. رقابت و تعاون در بخش سوم نظام اقتصادی اسلام

رقابت و تعاون در رفتارهای اقتصادی که به انگیزه خیرخواهانه انجام می‌شود مصداق کامل رقابت و تعاون در خیرات است که در آیه‌ها به آن امر شده است. بر این اساس شکی نیست که اسلام می‌خواهد این گونه رفتارها در جامعه نهادینه شود. در شریعت اسلام شکل حقوقی این رفتارها در قالب وقف، قرض‌الحسنه و صدقه تعیین شده و احکام هر یک بیان شده است. فقط سه نکته در این بخش قابل ذکر است:

۱. رفتارهای اقتصادی در این بخش به دو صورت متصور است: یک صورت آن است که انسان بخشی از درآمد خود را به نیازمندان منتقل کند تا آنها در جهت منافع خود مصرف یا سرمایه‌گذاری کنند. صورت دوم آن است که از ابتدا انسان برای نیازمندان یا برای وجوه خیر دیگر کار و سرمایه‌گذاری کند. به عبارت دیگر، در صورت انسان کار و سرمایه‌گذاری را به انگیزه کسب درآمد انجام می‌دهد اما بخشی از درآمد به دست آمده را به نیازمندان منتقل کرده یا در وجوه خیر دیگری که جنبه مصرفی دارند صرف می‌کند. در صورت دوم، کار و سرمایه‌گذاری از ابتدا برای وجوه خیر است. مانند دولت که یا درآمدهای خود را در جهت مصالح عمومی خرج می‌کند یا به نیازمندان منتقل می‌کند.

۲. رقابت و تعاون در خیرات باید از درآمد حلال باشد. اگر از درآمدی که از راه حرام به دست آمده است کار به ظاهر خیری انجام شود این کار در حقیقت خیر نیست زیرا در جهت سعادت فرد و جامعه قرار ندارد بنابراین مورد قبول خداوند نیز قرار نمی‌گیرد. در این باره روایت‌های متعددی نقل شده که برای نمونه برخی از آنها را نقل می‌کنیم:

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اگر انسان از راه حرام مالی را به دست آورد اگر از این مال حج یا عمره بجا آورد یا صلّه

رحم کند از وی قبول نمی‌شود؛ این مال حتی در نسل وی نیز اثر سوء دارد» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۹۱، ح ۲۲۰۵۶).

از امام صادق علیه السلام می‌پرسند:

«مردی که از راه عمل برای بنی‌امیه مالی به‌دست آورده، برای آنکه آنچه را که از این راه به‌دست آورده، خداوند به وی ببخشد، از این مال صدقه داده و به نزدیکانش رسیدگی کرده و با آن حج بجا می‌آورد، و می‌گوید «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» یعنی کارهای نیک سیئات را از بین می‌برد. امام صادق علیه السلام فرمودند: خطا، خطا را نمی‌پوشاند. کار نیک خطا را می‌پوشاند...» (همان: ۱۷، ۸۸، ح ۲۲۰۵۱).

۳. باید از مازاد بر نیاز خود، خانواده و تمام کسانی که نفقه آنها بر وی واجب است در امر خیر صرف کند. در غیر این صورت اسراف کرده است. از این رو است که خداوند در قرآن کریم در وصف «عباد الرحمن» می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان (۲۵)، (۶۷).

«و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این‌دو، حد اعتدالی دارند».

از این آیه استفاده می‌شود کسانی که بیش از حد انفاق می‌کنند اسراف‌کارند و خداوند مسرفین را دوست ندارد. * بخش سوم اقتصاد مکمل بخش دولتی است. هدف‌های بخش سوم و بخش دولتی همان هدف‌های نظام اقتصادی است. با این تفاوت که بخش دولتی موظف است نظام اسلامی را در جهت هدف‌ها حرکت دهد در حالی که مردم در بخش سوم با رفتارهای داوطلبانه خود این حرکت را شتاب می‌بخشند. بنابراین گسترش عملکرد بخش سوم بار دولت در حرکت نظام به سوی اهداف آن را تسریع می‌کند.

ب. رقابت و تعاون در بخش خصوصی

رفتارهای اقتصادی برای کسب یا تخصیص درآمد انجام می‌شوند. کسب درآمد از راه کار، سرمایه پولی یا فیزیکی حاصل می‌شود و درآمد کسب‌شده در سه راه مصرف، سرمایه‌گذاری و انفاق در راه خدا صرف می‌شود. سرمایه‌گذاری نیز یا به انگیزه نفع شخصی و کسب درآمد است یا به انگیزه خیرخواهانه. انفاق در راه خدا و سرمایه‌گذاری به

*. امام صادق علیه السلام در حدیث طولی در پاسخ به اشکال سفیان ثوری این مطلب را بیان کرده و به تفصیل شرح می‌دهند. علاقه‌مندان می‌توانند متن آن را در کتاب *الکافی* (کلینی، ۱۳۸۹: ۵، ۶۵، ح ۱) مشاهده کنند.

انگیزه خیرخواهانه مربوط به بخش سوم اقتصاد است بنابراین رفتارهایی که به انگیزه نفع شخصی انجام می‌شود عبارتند از:

۱. کسب درآمد از راه کار، سرمایه پولی یا فیزیکی؛*

۲. مصرف.

رقابت در مصرف به چشم و هم‌چشمی و اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی می‌انجامد که از آنها نهی شده است و مطلب آن‌قدر واضح است که نیازی به استدلال نیست. اما رقابت و تعاون در کسب درآمد محل بحث است. تعاون در کسب درآمد مقدمه رقابت است؛ به‌طور مثال، رقابت و تعاون در سود را در نظر بگیرید. کسب سود از راه تولید و توزیع کالاها و خدمات صورت می‌گیرد. برای کسب سود ممکن است یک نفر با دیگران رقابت کند یا گروهی با مشارکت یکدیگر با افراد یا گروه‌های دیگر رقابت کنند. مشارکت در کسب سود نیز ممکن است بین صاحبان سرمایه و دیگر عامل‌های تولید باشد و ممکن است بین صاحبان سرمایه با یکدیگر باشد. صاحبان سرمایه نیز ممکن است سرمایه‌داران بزرگ باشند که با تجمع سرمایه‌های خود شرکت بزرگی را تأسیس کنند یا افرادی باشند که سرمایه‌های کوچک دارند و سرمایه‌های خود را به انگیزه سود روی هم ریخته، با تأسیس شرکت تعاونی به اصطلاح امروز وارد بازار می‌شوند. در اغلب این موارد تعاون مقدمه رقابت در سود است. شرکت‌ها و تعاونی‌ها نیز با شرکت‌ها و تعاونی‌ها و بنگاه‌های دیگری که به انگیزه سود در بازار فعالیت می‌کنند رقابت می‌کنند.

با توجه به این نکته، بحث محوری بیان نظر اسلام درباره رقابت و تعاون در کسب درآمد است یعنی همان رفتاری که در بازارهای کالاها و خدمات و بازارهای عوامل و بازارهای مالی می‌تواند به‌صورت اصل رفتاری مطرح شود. در این صورت پرسش اساسی این است که رقابت و تعاون در اموال با چه شرایطی مصداق رقابت و تعاون در خیرات می‌شود؟

در پاسخ ابتدا باید توجه شود که در برخی آیه‌های قرآن کریم به مال، خیر اطلاق شده است:

«از تو پرسش می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیری (مالی) که انفاق می‌کنید، باید

برای پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری

که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است» (بقره (۲)، ۲۱۵).

*. برای پرهیز از تکرار سرمایه‌گذاری به انگیزه نفع شخصی را در همین قسم داخل کرده و برای آن قسم جدایی در نظر نگرفتیم.

«وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات (۱۰۰)، ۸).
«و وی علاقه شدید به مال دارد!».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره این آیه می‌نویسد:

«و بعید نیست مراد از «خیر»، فقط مال نباشد، بلکه مطلق خیر باشد، و آیه شریفه بنخواهد
بفرماید: حب خیر فطری هر انسانی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۵۹۱).
به نظر می‌رسد کلام علامه بسیار متین است. خیر در مقابل شر هر آن چیزی است که
برای سعادت انسان مفید است. و انسان به‌طور فطری چیزی را که باعث سعادتش می‌شود
دوست دارد و چون فکر می‌کند مال وی را به سعادت می‌رساند آن را دوست دارد.
سعادت انسان در دستیابی به مقام عبودیت و بندگی است و سعادت جامعه در فراهم آمدن
زمینه‌های لازم برای حرکت اختیاری همه انسان‌ها به سوی سعادتشان است و این امر جز از
راه عمل به آموزه‌ها و احکام اسلام امکانپذیر نیست. بر این اساس اگر تولید، توزیع یا صرف
مال در چارچوب احکام شرع و در راه سعادت انسان و جامعه باشد مصداق رقابت و تعاون
بر خیرات و در غیر این صورت رقابت و تعاون بر گناه و فساد است.

احکام و قواعد شریعت

احکام و قواعد شریعت دو گروهند:

۱. احکام اخلاقی: احکامی هستند که دولت ضامن اجرای آنها نیست و ضامن اجرای آنها فرد مسلمان است. وی به مقداری که از تربیت اسلامی برخوردار است، این احکام را رعایت خواهد کرد؛
۲. احکام حقوقی: احکامی هستند که افزون بر فرد، دولت نیز ضمانت اجرای آن را بر عهده دارد بنابراین بر انجام آنها نظارت کرده و متخلفان را مجازات می‌کند.
بر این اساس رقابت و تعاون در کسب مال در صورتی مصداق رقابت و تعاون در خیرات است که در چارچوب احکام حقوقی و اخلاقی اسلام باشد. به عبارت دیگر اسلام رقابت و تعاون در کسب مال را از دو فیلتر حقوقی و اخلاقی می‌گذراند و بدین ترتیب آنها را از اثرهای سوئی که در جهت خلاف سعادت فرد و جامعه دارند پاکسازی می‌کند.
در این باره ابتدا به بیان دو حدیث بسنده می‌کنیم. در این دو حدیث امامان معصوم علیهم السلام مهمترین احکام اخلاقی و حقوقی را برای تجار و کسانی که در بازار به کسب درآمد

مشغول بودند، به صورت فهرست‌وار بیان کرده‌اند. پس از این اجمال، به تفصیل برخی از مهمترین احکام اخلاقی و حقوقی را بیان خواهیم کرد:

۱. از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است که در زمان حکومتش هر روز صبح زود از محل حکومت خود بیرون آمده و در بازارهای کوفه می‌گشت و در حالی که شلاقی بر دوش داشت در هر بازار توقف می‌کرد و فریاد می‌زد:

«ای گروه تجار تقوای خدا پیشه کنید. وقتی اهل بازار صدای وی را می‌شنیدند آنچه در دست داشتند رها می‌کردند و با قلب‌های خود به وی توجه کرده و با گوش‌های خود به صدایش گوش می‌دادند. سپس حضرت می‌فرمود: پیش از هر چیز از خداوند طلب خیر کنید و به سبب آسان‌گیری بر مردم به کسب خود برکت دهید و به خریداران نزدیک شوید و خود را به حلم و صبر تزئین کنید و از قسم‌خوردن بپرهیزید و از دروغ‌گفتن دوری کنید و ظلم نکنید و با مظلومین انصاف را رعایت کنید و به ربا نزدیک نشوید و کیل و وزن را وفا کنید و کم نگذارید و در زمین فساد نکنید. حضرت امیر در همه بازارهای کوفه می‌گشت و سپس به محل حکومت برمی‌گشت و برای انجام امور مردم می‌نشست» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۳۸۳، ح ۲۲۷۹۸).

۲. فردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و عرضه داشت:

«ای پسر رسول خدا من عزم خروج برای تجارت را کرده‌ام و با خود تعهد کردم که بیرون نروم مگر آنکه شما را ملاقات کرده و از شما طلب مشورت و دعا کنم. راوی می‌گوید امام علیه السلام برایش دعا کرد و فرمود: بر تو باد صدق گفتار. عیبی را که در مال التجارة توست کتمان نکن. کسی را که به تو اعتماد می‌کند فریب مده زیرا فریب‌دادن وی حلال نیست. آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند. حق را بده و بستان و نترس. خیانت نکن زیرا تاجر راستگو و صادق در روز قیامت با سفیران والا مقام و نیکوکار محشور است. از قسم خوردن بپرهیز زیرا قسم دروغ برای صاحبش آتش را به دنبال دارد. تاجر فاجر است مگر آنکه حق را بدهد و حق را بگیرد. وقتی عزم سفر یا حاجت مهمی را کردی دعا و طلب خیر را زیاد کن. همانا پدرم از پدرش از جدش نقل کرده است که پیامبر همان‌گونه که قرآن را به اصحابش می‌آموخت طلب خیر کردن را نیز می‌آموخت...» (همان: ۱۷، ۳۸۵، ح ۲۲۸۰۴).

بیشتر دستورهایی که در این دو روایت داده شده است دستورهای حقوقی است گرچه در بین آنها دستورهای اخلاقی نیز بیان شده است. در ادامه برخی از مهمترین احکام و قواعد

اخلاقی و حقوقی سالم‌سازی رقابت و تعاون در کسب مال را با تفصیل بیشتری بیان می‌کنیم و در ضمن آن مطلب‌هایی که در این دو حدیث شریف بیان شده را نیز توضیح خواهیم داد.

احکام و قواعد اخلاقی رقابت و تعاون

برخی از احکام و قواعد اخلاقی اسلام که نقش مهمی در سالم‌سازی رقابت و تعاون دارند عبارتند از:

أ. انصاف با مردم

انصاف به این معناست که انسان با مردم به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد مردم با وی و اهل و بستگانش رفتار کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«انصاف با مردم وقتی تحقق می‌یابد که هر آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز همان را بخواهی» (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۴۴، ح ۳).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«عادلانه‌ترین روش آن است که با مردم به گونه‌ای که دوست داری با تو رفتار شود رفتار کنی» (آمدی، ۱۳۷۳: ۳۹۴، ح ۹۱۰۳).

در کلام دیگر سفارش می‌کنند که با مردم رفتار منصفانه کرده و آنها را با خود و اهل و نزدیکان و کسانی که دوستشان دارید یکسان قرار دهید (همان: ۳۹۴، ح ۹۱۰۱). امام صادق علیه السلام انصاف با مردم را یکی از سخت‌ترین تکلیف‌های الهی می‌شمارد (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۴۴، ح ۶) و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که انصاف و مواسات و ذکر خدا سیدالاعمال است (همان: ۲، ۱۴۴، ح ۷).

انصاف یک اصل عام اخلاقی است و دیگر اصول را می‌توان به نوعی از مصداق‌های این اصل شمرد. رعایت این اصل اخلاقی مانند دیگر اصول در همه عرصه‌های رفتاری سفارش شده است و مختص به رفتارهای اقتصادی نیست. با این وجود در دو حدیثی که درباره آداب تجارت از حضرت امیر و امام باقر علیهما السلام نقل کردیم هر دو بزرگوار به انصاف در تجارت امر فرمودند. نتیجه این اصل در بحث رقابت و تعاون آن است که انسان در فرایند کسب درآمد از تولید یا توزیع اموال، با مردم به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد آنها با وی آن‌گونه رفتار کنند. انسان هیچ‌گاه دوست ندارد به وی ظلم شود یا سرش کلاه گذارند

یا به وی دروغ بگویند یا ضرر بزنند و مالی را به قیمتی بیش از قیمت متعارف یا با سودی بسیار بالا به وی بفروشند. وی نیز در رفتارهای اقتصادی خود با مردم نباید مرتکب این اعمال شود. این قاعده کلی اگر در بین مردم نهادینه شود و مردم براساس آن تربیت شوند و رفتارهای خود را در عرصه‌های اقتصادی براساس آن تنظیم کنند بسیاری از اثرهای منفی که برای بازار آزاد در اقتصاد متعارف بیان می‌کند خود به خود از بین می‌رود. به‌طور مثال اگر یک فعالیت تولیدی باعث آلوده شدن هوا یا آب شود و به مصالح اجتماع یا گروهی خاص ضرر بزند صاحب این فعالیت براساس قاعده انصاف ابتدا به دنبال رفع این ضرر با استفاده از تکنولوژی‌های موجود می‌رود و هزینه آن را نیز تحمل می‌کند و اگر نتواند این ضرر را از این راه رفع کند در صورت امکان با پرداخت خسارت می‌کوشد ضرر را جبران کند. به هر حال نهادینه شدن قاعده انصاف در جامعه و تبدیل شدن آن به یک فرهنگ عمومی باعث می‌شود اثرهای منفی بازار آزاد تا حدود فراوانی بدون دخالت دولت از بین برود.

به همین ترتیب یکی از اثرهای منفی رقابت داروینستی در بازار آن است که قوی، ضعیف را شکست داده، وی را از بازار بیرون رانده و از نظر اقتصادی نابودش می‌کند. به همین علت رقابت یکی از علت‌های پدید آمدن انحصار شمرده شده است. نهادینه شدن قاعده انصاف تا حدود فراوانی مانع از این امر می‌شود. زیرا انسان راضی نیست کسی وی را در میدان اقتصادی نابود کند. از این رو، وی نیز تا می‌تواند از این کار پرهیز کرده و می‌کوشد در فرایند کسب درآمد در صورت امکان از ضعیفان اقتصادی نیز دستگیری کند و اگر ببیند سود وی به نابودی اقتصادی مؤمنین دیگر می‌انجامد به کمتر از آن راضی شده یا از آن چشم می‌پوشد.

ب. رفق و مدارا با مردم

یکی از اصول اخلاقی رفق و مدارا کردن با مردم است. رفق به معنای مهربانی، نرم‌خویی و لطافت است. رفیق یعنی دوست بسیار مهربان و ارفاق کردن، نفع‌رساندن است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۰، ۱۱۸). در قرآن کریم کلمه رفیق در همین معنا استعمال شده است (نساء (۴)، ۶۹).

مرحوم مجلسی در بحارالانوار در ضمن بیانی که درباره روایت‌های رفق دارد، می‌نویسد: «رفق، نرم‌خویی و مهربانی و ترک خشونت و درشتی در افعال و اقوال با خلق خدا در همه احوال است؛ اعم از اینکه از مردم درباره وی خلاف ادب صادر شده باشد یا صادر نشده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۵۵).

مدارا با مردم نیز به معنای مهربانی و حسن مصاحبت و تحمل کردن مردم است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۴، ۲۵۴). پیامبر اکرم ﷺ با مردم با مهربانی برخورد می‌کردند. از این رو در قرآن کریم آمده است:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ...» (آل‌عمران (۳)، ۱۵۹).

«به (برکت) رحمت الاهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب ...».

رعایت این اصل اخلاقی نیز در همه عرصه‌های اجتماعی و از جمله رفتارهای اقتصادی سفارش شده است و ظهور آن در فرایند کسب درآمد به صورت رعایت حال دیگران در عرصه‌های گوناگون اقتصادی است. به‌طور مثال، در عرصه توزیع، کسانی که واسطه در توزیع کالا هستند باید رعایت حال خریداران را بکنند. بدین ترتیب که اگر فردی که مراجعه می‌کند مکتب مالی ندارد، سود فراوانی از وی نگیرند یا در صورت امکان از وی سود مطالبه نکنند. سود متعارف را از کسانی که قوت مالی دارند بگیرند. اگر پول نقد ندارد به وی مهلت دهد یا نسیه بفروشد و اگر کسی جنسی را خرید و بعد پشیمان شد و تقاضای اقاله یا بازگرداندن کالا و پس گرفتن پول خود را کرد رفق و مدارا اقتضا می‌کند که فروشنده این درخواست را بپذیرد و در صورتی که جنسش سالم است پول آن را به صاحبش پس دهد. در عرصه تولید باید کارفرما با نیروی کار و دیگر عامل‌های تولید مدارا کند و بر آنان سخت نگیرد. مشکل‌های آنان را رسیدگی کند و حقوق مکفی به آنان بدهد. نیروی کار نیز باید رعایت حال کارفرما را بکند و با وی مدارا کند.

نهادینه شدن چنین اخلاقی در بازار باعث می‌شود عملکرد بازار به صورت خودکار به گونه‌ای شود که دستمزدها و قیمت‌ها عادلانه شود و به کسی اجحاف نشود. رقابت وقتی از چنین فیلتر اخلاقی عبور کند هیچ‌گاه باعث تحقق دستمزدهای پایین، قیمت‌های بالا و سودهای کلان نخواهد شد. زیرا در این صورت، در همه عرصه‌های اقتصادی قوی‌ها

رعایت حال ضعیف‌ها را خواهند کرد و هیچ‌گاه از فرصت‌های بازار استفاده سوئی که باعث ضرر زدن به دیگران شود، نخواهند کرد.

ج. احسان به مردم

احسان به معنای نیکی کردن است. کار نیک، کاری است که از روی خیرخواهی و در جهت سعادت انسان‌ها انجام می‌شود. در قرآن کریم در آیه‌های متعددی به احسان به دیگران امر شده است. برای نمونه به آیه ذیل توجه کنید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل (۱۶)، ۹۰).

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا، منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!».

علامه طباطبایی رحمته‌الله در ذیل این آیه می‌نویسد:

«مقصود از احسان هم احسان به غیر است نه اینکه فرد کار را نیکو کند، بلکه خیر و نفع را به دیگران برساند، آنهم نه بر سبیل مجازات و تلافی بلکه همان‌طور که گفتیم به اینکه خیر دیگران را با خیر بیشتری تلافی کند، و شر آنان را با شر کمتری مجازات کند، و نیز ابتداءً و تبرعاً به دیگران خیر برساند و احسان صرف‌نظر از اینکه مایه اصلاح مسکینان، بیچارگان و درماندگان است، و افزون بر انتشار دادن رحمت و پدیدآوردن محبت است، آثار نیک دیگری نیز دارد که به خود نیکوکار برمی‌گردد، چون باعث می‌شود ثروت در اجتماع به گردش در آید، و امنیت عمومی و سلامتی پدید آید، و تحیب قلوب شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۴۸۹).

احسان نیز یکی از اصول اخلاقی عام در همه عرصه‌های اجتماعی است. با این وجود در رفتارهای اقتصادی در فرایند کسب درآمد این اصل اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش این فیلتر اخلاقی در سالم‌سازی بازار بسیار بیشتر از نقش انصاف و مدارا با مردم است. انصاف با مردم را می‌توان عدالت اخلاقی نامید. رفق و مدارا نیز نوعی سازگاری و هماهنگی با خواست و سلیقه مردم و رعایت حال آنان است. احسان مرتبه بالاتری است و چنانکه علامه طباطبایی رحمته‌الله نوشته‌اند شامل انجام ابتدائی کار نیک نیز می‌شود. اگر روحیه احسان و نیکوکاری در فعالان اقتصادی در بازارها نهادینه شود روشن است که دستگیری از

ضعیف‌ها اقتصادی به جای نابودکردن آنها می‌نشینند و رقابت از چارچوب مفهوم داروینیستی خارج شده و در چارچوبی سازگار با مفهوم احسان قرار می‌گیرد.

ب. احکام و قواعد حقوقی تعاون و رقابت

شارع مقدس اسلام برای سالم‌سازی تعاون و رقابت در کسب درآمد، فقط به احکام و قواعد اخلاقی بسنده نکرده است، بلکه احکام و قواعد حقوقی ویژه‌ای را وضع کرده و مردم و دولت را موظف به اجرای آنها کرده است. در شریعت اسلام سه نوع حد برای کسب درآمد تعیین شده است:

۱. تولید و خرید و فروش کالاهایی مانند شراب و مواد مخدر - که منفعت عقلایی حلال ندارد - ممنوع شده است؛

۲. کسب درآمد از فعالیت‌هایی مانند قمار، زنا و ربا - که با مصالح فرد و جامعه سازگار نیست - ممنوع شده است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۳۳۳-۸۱)؛

۳. در چارچوب حلال‌ها و مباحات نیز برای معامله‌ها و قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی شرط‌ها و قواعدی وضع شده و رقابت در مباحات، با رعایت قاعده‌های پیش‌گفته، تجویز شده است.

این قاعده‌ها اثرهای منفی رقابت را خنثا و اثرهای مثبت آن را تقویت می‌کند. برخی از قواعد یادشده - که در سالم‌سازی رقابت نقش اساسی دارد - عبارت است از:

۱. عدالت

مقصود از عدالت در اینجا عدالت اجتماعی است؛ یعنی اعطای حق به صاحبان آن، یا رفتار با هر کس به گونه‌ای که عقلاً یا شرعاً مستحق آن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل ۱۶)، (۹۰).

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید».

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه می‌نویسد:

«خداوند در جمله «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» دستور به عدل و داد می‌دهد، و عدل مقابل ظلم

است، ... ظاهر سیاق آیه این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است، و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جا داده شود که سزاوار آن است، و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آنند، به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورد، و لازمه آن این می‌شود که امر متعلق به مجموع نیز بوده باشد، پس فرد فرد مامور به اقامه این حکمند، و هم جامعه که حکومت عهده‌دار زمام آن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲، ۴۷۸).

بدین ترتیب عدالت اجتماعی یک اصل حقوقی است که افزون بر افراد، حکومت نیز باید رعایت آن را ضمانت کند. این یک اصل عام در همه رفتارهای اجتماعی انسان و از جمله رفتارهای اقتصادی اوست. در حدیث آداب تجارت نیز به رعایت این اصل در فعالیت‌های اقتصادی تصریح شده است. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند از ظلم بپرهیزید. و حضرت امام باقر علیه السلام نیز فرمودند تاجر فاجر است مگر آنکه حق را بدهد و حق را بستاند. بنابراین در تعاون و رقابت برای کسب درآمد نیز که یک نوع رفتار اقتصادی است باید در نظر گرفته شود. بدین ترتیب باید در فرایند تعاون و رقابت برای کسب درآمد، حق هر صاحب حقی به وی داده شود و به هیچ‌کس ظلم نشود. این یک اصل عام است که می‌توان اصول بعدی را به نوعی از مصداق‌های این اصل برشمرد.

۲. رضایت و آزادی اختیار در قراردادها

این شرط زیربنای همه قراردادهاست. قرآن کریم، در آیه ذیل، بر این ضابطه تصریح کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء (۴)، ۲۹).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اموال یکدیگر را به باطل [و از راه‌های نامشروع] نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد».

همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی، که سندش معتبر است، می‌فرماید: «از امت من نه چیز برداشته شد: خطا و نسیان و آنچه بر آن اکراه می‌شوند و آنچه نمی‌دانند و آنچه خارج از توان آنهاست و آنچه به آن مضطر می‌گردند و ...» (ابن بابویه قمی (صدوق)، ۱۴۱۰: ۲، ۴۱۷).

منظور از اکراه آن است که فردی دیگری را تهدید کند که اگر معامله موردنظر وی را

انجام ندهد، به جان، مال یا آبروی وی یا همسر و فرزندانش آسیب می‌رساند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱، ۴۶۷). بر این اساس، اگر معامله یا قراردادی با اکراه یک طرف و بدون رضایت وی واقع شود، باطل است.

۳. علم به ویژگی‌های مورد معامله و قرارداد

دو طرف معامله باید از ویژگی‌های مورد معامله و قرارداد به‌طور کامل آگاه باشند و مقدار، جنس، اوصاف و قیمت آن را بدانند (همان: ۴۷۳ و ۴۷۴). در غیر این صورت، معامله باطل یا متزلزل می‌شود. این قاعده اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح، دو طرف معامله به یکدیگر را ضرور می‌سازد.

۴. وجوب وفا به عهد و عقد و شرط‌های ضمن عقد

خداوند متعال در آیه‌های متعددی به وفای به عقد و عهد امر کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده (۵)، ۱).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادها) وفا کنید.»

«و أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء (۱۷)، ۳۴).

«و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد پرسش می‌شود.»

خداوند وفای به عهد را جزو کارهای نیک و در ردیف پسا داشتن نماز و پرداختن زکات ذکر می‌کند (بقره (۲)، ۱۷۷). امام باقر علیه السلام می‌فرماید خداوند سه چیز را جایز ندانسته است و یکی از آن سه را «وفای به عهد با نیکوکار و فاجر» ذکر می‌فرماید (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۶۲، ح ۱۵). و حضرت امیر علیه السلام یکی از صفت‌های مؤمن را در خطبه‌ای که برای امام می‌خوانند ثبات و استحکام در وفای به عقد می‌شمارند (همان: ۲، ۲۲۶، ح ۱). و می‌فرماید یکی از علامت‌های مومنان وفای به عهد است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۱، ۳۱۶، ح ۱۱).

همچنین اگر هر یک از دو طرف عقد، ضمن قرارداد، شرطی علیه خود در نظر بگیرند، باید به آن پایبند بمانند. این قاعده از روایت ذیل استفاده می‌شود:

«المسلمون عند شروطهم الا كل شرط خالف كتاب الله عز وجل فلا يجوز» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۱، ۳۱۶، ح ۱۱).

«مسلمانان باید به شرط‌های خود وفا کنند، مگر شرطی که مخالف کتاب خداوند - عزوجل - باشد. در این صورت (شرط قرار دادن آن) جایز نیست.»

روایت‌ها در این باره بسیار است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۹۱). وجوب عمل به عهد و پیمان‌ها و مفاد قراردادهای و تعهدهای ضمنی آن، باعث پدید آمدن جو اعتماد و اطمینان در بازار می‌شود.

۵. صداقت در معامله‌ها و قراردادهای

یکی از صفت‌هایی که در قرآن کریم تأکید فراوانی بر آن شده است صداقت در گفتار و کردار است. آیه‌های فراوانی در این باره وارد شده است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در قرآن کریم صداقت از صفات متقین شمرده شده است (آل عمران (۳)، ۱۷؛ زمر (۳۹)، ۳۳) و خداوند متعال در آیه‌های فراوانی به صادقین وعده بهشت داده است (احزاب (۳۳)، ۲۴ و ۳۵) و مومنان را امر فرموده است که با صادقین (معصومین) همراه باشند (توبه (۹)، ۱۱۹).

در روایت‌هایی نیز صداقت از صفت‌های پیامبران (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۰۴، ح ۱) و صدق حدیث و ادای امانت نشانه ایمان شمرده شده است (همان: ۱۰۵، ح ۱۲). امیرالمومنان علی علیه السلام می‌فرماید: کریم‌ترین مردم کسی است که در همه مواضع راست می‌گوید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸، ۹، ح ۱۲).

و کسی که ملازم صدق شود نجات می‌یابد (همان: ۶۸، ۹، ح ۱۵). در برابر صداقت، دروغ‌گویی، نیرنگ و خیانت است. دروغ‌گویی، نیرنگ و خیانت به مسلمین حرام است. آیه‌ها و روایت‌های فراوانی بر این مطلب دلالت دارند که به علت روشن بودن مطلب از ذکرشان خودداری می‌کنیم (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲، ۲۳۲ و همان: ۷۲، ۱۷۱).

در معامله‌ها و قراردادهای، صداقت و دوری از دروغ و نیرنگ و خیانت اهمیت فراوانی دارد. از این رو حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام به تاجران و بازاریان سفارش می‌کرد که از دروغ‌گفتن دوری جویند (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۳۸۳، ح ۲۲۷۹۸) و امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان که قصد سفر برای تجارت داشت فرمودند:

«بر تو باد صدق گفتار. عیب کالای خود را کتمان نکن» و کسی را که به تو اعتماد کرده است فریب نده و ... و خیانت نکن زیرا که تاجر راستگو و صادق در روز قیامت با سفیران

والامقام و نیکوکار محشور می‌شود» (همان: ۱۷، ۳۸۵، ح ۲۲۸۰۴).

دروغ، نیرنگ و خیانت افزون بر حرمت، سبب پیدایش حق فسخ قرارداد برای طرف مقابل نیز می‌شود؛ به‌طور مثال، اگر کسی مالش را به قیمتی بیش از ارزش بازاری آن بفروشد یا صفت‌های غیرواقعی برای کالایش ذکر کند یا کالای معیوب را بدهد و عیب را کتمان کند، طرف دیگر حق دارد معامله را فسخ کند.*

۶. قاعده نفی ضرر

براساس این قاعده، اسلام احکامی که به مکلف زیان رساند یا به زیان انجامد، تشریح نمی‌کند و از فراخواندن مردم به کارهایی که سبب زیان دیگران می‌شود دوری می‌جوید (مصطفوی، بی‌تا: ۲۴۳؛ حسینی عراقی، بی‌تا: ۲، ۷۰۳ و بجنوردی، بی‌تا: ۱، ۲۰۹).** پس مؤمنان باید در معامله‌ها و فعالیت‌های اقتصادی خود از زیان‌رساندن به جان، مال یا آبروی دیگران بپرهیزند؛ زیرا چنین زینانی در شریعت اسلام تجویز نشده است.

۷. قاعده اتلاف

براساس این قاعده عقلایی - که مورد تأیید شرع اسلام نیز قرار گرفته است - هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است و فرقی ندارد که تلف به عمد یا غیر عمد از روی علم یا جهل باشد و نیز فرقی ندارد که مباشر در تلف‌کردن باشد یا سبب آن (مصطفوی، بی‌تا: ۲۰-۲۳؛ مکارم شیرازی، بی‌تا: ۲، ۱۹۳). این قاعده نیز از قاعده‌های مشهوری است که اکثر فقیهان به آن در ابواب گوناگون استناد کرده‌اند.

۸. حرمت احتکار

احتکار مواد غذایی مورد احتیاج مردم برای افزایش قیمت آن و دستیابی به سود بیشتر حرام است. روایت‌های فراوانی درباره شرایط تحقق احتکار و حکم آن در مجامع روایی نقل شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۴۳۴-۴۳۳). در این مجال چند روایت به‌صورت نمونه ذکر خواهد شد:

*. این موردها تحت عنوان خیار غبن، عیب، خیار تخلف وصف و مانند آن در کتاب‌های فقهی بیان شده است.

** قاعده لاضرر از قاعده‌های مشهوری است که اکثر فقیهان رساله جداگانه‌ای درباره آن نوشته‌اند.

«از امام صادق علیه السلام می پرسند مردی طعام را احتکار می کند و منتظر (تغییر قیمت) می ماند آیا چنین کاری صلاح است؟ امام علیه السلام می فرماید: اگر طعام در (بازار) زیاد و وافی به احتیاج مردم است اشکالی ندارد اما اگر کم است و کافی نیست احتکار طعام و مردم را بدون طعام واگذارن جایز نیست» (همان: ۱۷، ۴۲۴، ح ۲۲۹۰۱).

«محتکر مورد لعن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته است» (همان: ح ۲۲۹۰۲).

امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

«هر کسی که طعامی را بخرد و چهل روز آن را به انتظار افزایش قیمت در بازار مسلمین نگه دارد سپس آن را بفروشد و قیمت آن را صدقه دهد گناهش را نمی پوشاند» (همان: ح ۲۲۹۰۵).

گرچه این روایتها درباره احتکار طعام است و در برخی از موردها به چند قلم مانند گندم، جو، کشمش، خرما، روغن زیتون و روغن حیوانی شده منحصر است (همان: ح ۲۲۹۰۳، ۲۲۹۰۶ و ۲۲۹۰۹) اما با تنقیح مناط قطعی می توان حکم آن را به دیگر کالاهایی که حیات مردم به آنها بستگی دارد، توسعه داد.

دولت موظف است از احتکار جلوگیری کرده و محتکرین را وادارد که کالای خود را به قیمت بازار عرضه کنند (همان: ب ۲۹ و ۳۰).

۹. حرمت ربا

ربا دو نوع است؛ ربای معاملی و ربای قرضی. ربای معاملی در دو کالای هم جنس - که به وسیله پیمانانه یا وزن اندازه گیری می شوند - تحقق می یابد و عبارت است از آنکه یکی از آن دو، در برابر کالای دیگر، با زیاده معامله شود. البته تفاوتی ندارد که زیاده مقداری مشخص از همان جنس، مانند فروختن یک من گندم مرغوب به دو من گندم پست، باشد یا زیاده حکمی، مانند یک من گندم نقد به دو من گندم نسیه، شمرده شود. افزون بر این، تفاوت ندارد که معامله با خرید و فروش صورت گیرد یا با صلح و مانند آن (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۸، ۴۹۳).

ربای قرضی آن است که در قرض شرط زیاده شود. به این ترتیب که فردی مالی را به دیگری قرض دهد به شرط آنکه وام گیرنده، هنگام پرداخت بدهی اش، بیش از آنچه گرفته است بپردازد.

ربا در آیه ها و روایتها به شدت تحریم شده است. قرآن کریم در هفت آیه به تحریم

ربا، اثرهای سوء آن و مذمت رباخواران پرداخته است. در سوره بقره، چنین می‌خوانیم:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره (۲)، (۲۷۵)).

«کسانی که ربا می‌خورند، از جای خود بر نمی‌خیزند مگر مانند کسانی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده [و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند]. گاهی زمین می‌خورد و گاهی به پا می‌خیزد [این به علت آن است که گفتند: دادوستد هم مانند ربا است. [و تفاوتی میان آن دو نیست] در حالی که خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرده است؛ و اگر کسی اندرز الاهی به وی برسد [و از رباخواری] خودداری کند، سودهایی که در سابق [پیش از نزول حکم تحریم] به دست آورده از آن اوست. [و این حکم گذشته را شامل نمی‌شود] و کار وی به خدا واگذار می‌شود. اما کسانی که بازگردند [و بار دیگر مرتکب این گناه شوند] اهل آتشند و همیشه در آن می‌مانند».

در آیه‌های دیگر، خداوند متعال از سوی خود و رسولش به رباگیران اعلام جنگ کرده (بقره (۲)، ۲۷۸ و ۲۷۹) و به کسانی که ربای مضاعف می‌گیرند، وعده آتش دوزخ داده است (آل عمران (۳)، ۱۳۰ و ۱۳۱). در برخی از آیه‌ها، ربا در برابر صدقات قرار گرفته و خداوند متعال وعده داده است منافع حاصل از ربا را نابود و صدقات را بارور سازد (بقره (۲)، ۲۷۶). در برخی از آیه‌ها، ربا در برابر زکات قرار گرفته و خداوند بیان فرموده است که ربا نزدش فزونی نمی‌یابد؛ اما زکاتی که به قصد خشنودی‌اش پرداخت می‌شود پاداش مضاعف دارد (روم (۳۰)، ۳۹). آیه دیگر، یهود را به علت گرفتن ربا سرزنش می‌کند و به آنها وعده عذاب می‌دهد (نساء (۴)، ۱۵۹ و ۱۶۰).

۱۰. حرمت کم‌فروشی

در قرآن کریم در آیه‌های متعددی از کم‌فروشی نهی و به دقت در کیل و وزن امر شده است:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ. الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يَخْسِرُونَ» (مطففین (۸۳)، ۱، ۲ و ۳).

«وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند!».

مرحوم کلینی روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۳۰) که امام علیه السلام بعد از تلاوت این آیه می‌فرماید:

«خداوند ویل را برای احدی قرار نداد مگر آنکه وی را کافر نامید. خداوند فرمود: وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)! (مریم (۱۹)، (۳۷)).»

در حدیث آمده است که قومی که کم‌فروشی کنند خداوند آنها را به قحطی، خشکسالی و سلطان ظالم گرفتار می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰، ۳۷۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۳، ۲۳۴، ح ۱۵۲۲۲ و ۱۵۲۲۳). دولت موظف است از این کار جلوگیری و متخلف را مجازات کند. از این رو، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در بازار می‌گشت و در حالی که شلاقی به دست داشت می‌فرمود:

کیل و وزن را وفا کنید و کم نگذارید (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۳۸۳، ح ۲۲۷۹۸).

و در روایتی نیز آمده است که حضرت کم‌فروشان و کسانی که غش در تجارت با مسلمین می‌کردند شلاق می‌زد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۳، ۲۳۴، ح ۱۵۲۲۴).

۱۱. وجوب رعایت مصالح نظام

پیش از این نقل شد که حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام در زمان حکومت خود در بازار می‌گشت و مطلب‌هایی را به تاجران تذکر می‌داد. یکی از مطلب‌های مهم در بیان‌های وی این جمله است:

«وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.»

«در زمین به فساد نکوشید.»

این جمله بخشی از این آیه است:

«وَايَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود (۱۱)، (۸۵)).

«وای قوم من! پیمانانه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیا (و اجناس) مردم، عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید.»

این جمله‌ای است که شعیب پیامبر به قوم خود فرمود. شبیه این جمله را قرآن در آیه

دیگری از قول شعیب پیامبر نقل می‌کند:

«وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء (۲۶)، (۱۸۳)).

«و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین کوشش برای فساد نکنید!».

فساد در برابر صلاح است و فساد در زمین به کاری گفته می‌شود که خلاف مصلحت جامعه و نظام است. چنان‌که پیش‌تر گذشت، مفهوم مصالح نظام با توجه به اهداف نظام‌های اسلامی آشکار می‌شود. هر کاری که در جهت اهداف نظام‌های اسلامی باشد مصلحت، و گرنه مفسده است. در نظام اقتصادی اگر کاری باعث تضعیف امنیت، عدالت یا رشد و توسعه اقتصادی شود فساد در زمین بر آن صدق می‌کند. حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام به تاجران می‌فرمودند در زمین فساد نکنید؛ یعنی کاری نکنید که با مصالح جامعه مسلمانان و نظام اسلامی منافات داشته باشد. از این بیان استفاده می‌شود که همه فعالیت‌های اقتصادی و رقابت و تعاون در آنها باید با هدف‌های نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اسلام منافات نداشته باشد. هدف عالی نظام اقتصادی اسلام و اهداف میانی (امنیت، عدالت، رشد و توسعه اقتصادی) باید مورد توجه همگان قرارگیرد و همه مردم برای دست‌یابی به آن بکوشند.

در پایان یادآور می‌شویم که اسلام برای تحقق این قواعد دو تضمین پدید آورده است. از سویی ایمان افراد و ترس آنها از عذاب آخرت عاملی درونی برای رعایت این قواعد است؛ و از سوی دیگر، دولت موظف است با امکاناتی که در اختیار دارد زمینه تحقق این قواعد را فراهم آورده، بر اجرای صحیح آنها نظارت کند و متخلفان را کیفر دهد.

نتیجه‌گیری

رقابت به معنای «مسابقه برای کسب درآمد» در اسلام نه به‌صورت کامل نفی و نه به‌صورت مطلق پذیرفته شده است. این مسابقه در چارچوب قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام پذیرفته می‌شود. این چارچوب‌ها همچون فیلتری رقابت را از اثرهای سوء آن پاکسازی کرده و در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار می‌دهند. به‌عبارت دیگر، این مسابقه همانند هر مسابقه دیگری قواعد و مقرراتی دارد که برخی از آنها اخلاقی و برخی دیگر نیاز به داور دارد. در هر مسابقه‌ای قواعد به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که مسابقه در چارچوب آن قواعد منتج به نتیجه مورد نظر باشد. در اسلام نیز قواعد اخلاقی و حقوقی این مسابقه به‌گونه‌ای تعیین شده است که رقابت در کسب درآمد در چارچوب این قاعده‌ها به نتیجه مورد نظر (اهداف نظام اقتصادی) بینجامد.

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه قمی (صدوق)، *أبی جعفر محمد بن علی بن حسین*، ۱۴۱۰ق، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن جمال الدین، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم: نشر حوزه، اول.
۳. آمدی تهیمی، محمد، ۱۳۷۳ ش، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح محمد خوانساری، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، پنجم.
۴. بجنوردی، بی تا، *القواعد الفقهیه*، ۱، بی جا، بی تا.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ق، *وسائل الشیعه* (۳۰ جلدی)، بیروت، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۶. حسینی عراقی، بی تا، *العناوین الفقهیه*، ۲، بی جا: بی تا.
۷. حکیمی، محمدرضا و علی، محمد، ۱۳۷۰ش، *الحیاء*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ششم.
۸. رنانی، محسن، ۱۳۷۶ش، *بازار یا نابازار*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، اول.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. غنی نژاد، موسی، ۱۳۷۶ش، *مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: مؤسسه عالی و پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
۱۱. کلینی رازی، *أبی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق*، ۱۳۸۹ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.

۱۳. مصطفوی، سیدمحمد کاظم، بی تا، القواعد، بی جا: بی نا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، بی تا، القواعد الفقہیہ، ۲، بی جا: بی نا.
۱۵. موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۳ش، المكاسب المحرمه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، اول.
۱۶. _____، ۱۳۷۴ش، تحریر الوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، اول.

ب. انگلیسی

1. Schmitzer, Martinc, 1994, *Comparative Economic Systems*, 6th edition, south - western Publishing.